

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم قرآنی ۴

(دلالت‌های قرآن کریم)

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی

تأیستان ۱۳۹۸

درسمو دانشگاه
علوم قرآن و حدیث

Babai, Ali Akber

بابایی، علی اکبر، ۱۳۳۳-

علوم قرآنی ۴ (دلالت‌های قرآن کریم) / علی اکبر بابایی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.

سبزه، ۲۲۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۸۷: قرآن پژوهی؛ ۶۲)

ISBN: 978-600-298-275-9

بها: ۲۴۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه. ص. [۲۰۷] - ۲۱۶: همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. قرآن -- علوم قرآنی. ۲. Qur'an -- Qur'anic sciences. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۱۵

BP۶۹/۵

۵۷۶۶۹۶۱



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مرکز ملی توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی



علوم قرآنی ۴ (دلالت‌های قرآن کریم)

مؤلف: حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی

ناظر: حجت الاسلام والمسلمین محمد فاکر میبیدی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که در برنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرای آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه

پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۸۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان کتاب درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث و تفسیر در مقطع کارشناسی فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای علی اکبر بابایی و نیز از ناظر محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین محمد فاکر میبدی سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
چند تذکر	۴

فصل یکم: مباحث مقدماتی

درس یکم: مفهوم، گستره و پیشینه علوم قرآنی	۹
۱. مفهوم عرفی و معنای اصطلاحی علوم قرآنی	۹
۲. گستره و انواع مباحث علوم قرآنی و تعیین جایگاه علوم قرآنی ۴ در میان آنها	۱۲
۳. پیشینه مباحث علوم قرآنی ۴	۱۴
خلاصه درس	۱۷
پرسش‌ها	۱۷

درس دوم: منشأ دلالت الفاظ، سیره عقلا در استفاده از الفاظ و روش قرآن در بیان مطالب	۱۹
۱. منشأ دلالت الفاظ و عبارت‌ها بر معانی	۱۹
۲. سیره عقلا در استفاده از الفاظ و عبارت‌ها	۲۱
۳. زبان و روش قرآن در بیان مطالب	۲۲
خلاصه درس	۲۶
پرسش‌ها	۲۷

درس سوم: انواع و اقسام دلالت‌ها و نقش مباحث الفاظ در تفسیر	۲۹
۱. انواع دلالت‌های قرآن کریم	۲۹
۲. تقسیم‌ها و اقسام دلالت‌های عرفی	۳۱
۱-۲. دلالت‌های مطابقی، تضمنی و التزامی	۳۱
۲-۲. دلالت منطوقی، مفهومی و سیاقی	۳۲

۳۳	 الف) دلالت اقتضا
۳۴	 ب) دلالت تنبیه یا ایما
۳۶	 ج) دلالت اشاره
۳۷	 د) دلالت مفهومی
۳۸	 ۲-۳. دلالت حقیقی و مجازی
۳۹	 ۳. نقش دانش اصول فقه در تفسیر قرآن
۴۰	 خلاصه درس
۴۱	 پرسش‌ها
۴۱	 منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث فصل و مطالعه بیشتر
۴۳	 برای پژوهش

فصل دوم: آشنایی با مباحث عام و خاص و آثار تفسیری آن

۴۷	 درس چهارم: الفاظ عموم و اقسام عام
۴۷	 ۱. تعریف عام و خاص
۴۸	 ۲. الفاظ عموم
۴۹	 ۲-۱. کُلّ
۵۰	 ۲-۲. جمیع
۵۰	 ۲-۳. ایّ
۵۱	 ۲-۴. اینما
۵۱	 ۲-۵. نکره در سیاق نفی و نهی
۵۲	 ۲-۶. جمع مُخَلّی به الف و لام
۵۳	 ۲-۷. جمع مضاف
۵۳	 ۳. اقسام عام
۵۳	 ۳-۱. عام استغراقی
۵۴	 ۳-۲. عام مجموعی
۵۵	 ۳-۳. عام بدلی
۵۵	 خلاصه درس
۵۶	 پرسش‌ها
۵۷	 درس پنجم: اقسام عام به لحاظ قبول تخصیص و اقسام مخصّص
۵۷	 ۱. تعریف تخصیص و مخصّص
۵۸	 ۲. اقسام عام از جهت قبول تخصیص
۵۸	 ۲-۱. عام تخصیص ناپذیر
۵۹	 ۲-۲. عام مخصّص

۵۹	 ۲-۳. عام محتمل التخصیص
۶۰	 قاعدة «ما من عامّ الا و قد خُصّ»
۶۱	 ۳. انواع مخصّص
۶۱	 ۳-۱. مخصّص متصل لفظی
۶۲	 ۳-۲. مخصّص متصل غیرلفظی
۶۴	 ۳-۳. مخصّص منفصل لفظی
۶۴	 مثال قرآنی
۶۵	 مثال روایی
۶۷	 ۳-۴. مخصّص منفصل غیرلفظی
۶۷	 الف) اجماع معتبر
۶۸	 ب) معلومات عقلی نظری
۶۹	 خلاصه درس
۶۹	 پرسش‌ها

۷۱	 درس نهم: آثار تفسیری مباحث عام و خاص
۷۱	 ۱. لزوم توجه به ظهور الفاظ عام در تفسیر آیات
۷۳	 ۲. پرهیز از تمسک کردن به عمومات قرآن، پیش از فحص از مخصّص
۷۳	 ۳. آگاهی از روش جمع عرفی آیات و رفع توهّم تعارض میان آیات
۷۵	 ۴. لزوم تفسیر قرآن به قرآن
۷۵	 ۵. لزوم تفسیر قرآن به روایات
۷۶	 ۶. اعتبار عام دارای تخصیص‌های متعدد
۸۲	 خلاصه درس
۸۲	 پرسش‌ها
۸۳	 منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث و مطالعه بیشتر

فصل سوم: آشنایی با مباحث مطلق و مقید و آثار تفسیری آنها

۸۷	 درس هفتم: مطلق و مقید، مقدمات حکمت و الفاظ مطلق
۸۷	 ۱. تعریف مطلق و مقید
۸۸	 ۲. مقدمات حکمت
۸۹	 الف) امکان اطلاق و تقيید
۸۹	 ب) در مقام بیان تمام مراد بودن متکلم
۹۰	 ج) نبودن قید یا قرینه‌ای بر تقيید
۹۱	 نتیجه‌گیری
۹۱	 ۳. تفاوت مطلق و عام

۹۲	 الف‌اظ مطلق
۹۲	 الف) اسم جنس
۹۳	 ب) نکره
۹۳	 ج) مفرد دارای الف و لام جنس
۹۴	 د) «مَن» و «ما»ی موصول
۹۵	 هـ) جمله فعلیه بدون ذکر متعلق
۹۶	 خلاصه درس
۹۶	 پرسش‌ها

۹۷	 درس هشتم: اقسام مطلق و مقید
۹۷	 ۱. اقسام اطلاق و مطلق
۹۷	 الف) اطلاق استغراقی و بدلی
۹۸	 ب) اطلاق افرادی، احوالی و زمانی
۱۰۰	 ج) اقسام مطلق از جهت قابلیت تقیید
۱۰۰	 ۲. تعریف تقیید و مقید
۱۰۱	 ۳. حمل مطلق بر مقید
۱۰۲	 ۴. اقسام مقید
۱۰۲	 ۴-۱. مقید متصل لفظی
۱۰۴	 ۴-۲. مقید متصل غیرلفظی
۱۰۴	 ۴-۳. مقید منفصل لفظی
۱۰۵	 ۴-۴. مقید منفصل غیرلفظی
۱۰۷	 خلاصه درس
۱۰۸	 پرسش‌ها

۱۰۹	 درس نهم: آثار تفسیری مباحث مطلق و مقید
۱۰۹	 ۱. مقید نبودن سبب نزول و شأن نزول
۱۱۰	 ۲. مقید نبودن روایات بیان‌کننده مصداق‌ها
۱۱۳	 ۳. فهم دقیق و کامل معنای الفاظ مطلق
۱۱۴	 ۴. رفع تعارض بدوی آیات و تبیین جامع معانی آنها
۱۱۵	 ۵. پرهیز از تمسک به مطلق بدون فحص از مقید
۱۱۶	 ۶. اعتبار مطلق مقید در مصداق‌ها و حالت‌های دیگر
۱۱۶	 ۷. لزوم تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر روایی
۱۱۷	 خلاصه درس
۱۱۸	 پرسش‌ها
۱۱۸	 منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث و مطالعه بیشتر

۱۱۸	الف) برای استادان.....
۱۱۸	ب) برای دانشجویان.....
۱۱۹	برای پژوهش.....

فصل چهارم: مباحث مجمل و مبین و آثار آن در تفسیر قرآن

۱۲۳	درس دهم: مجمل، اجمال و علل آن.....
۱۲۳	۱. تعریف مجمل.....
۱۲۵	۲. اجمال حقیقی و اجمال حکمی.....
۱۲۵	۳. تقارب معنایی مجمل و مبهم.....
۱۲۸	۴. تفاوت مجمل و متشابه.....
۱۳۰	۵. اسباب اجمال جمله‌ها.....
۱۳۳	برای مطالعه بیشتر.....
۱۳۵	خلاصه درس.....
۱۳۶	پرسش‌ها.....

۱۳۷	درس یازدهم: حکمت وجود مجمل در قرآن، مبین، مبین و اقسام آن.....
۱۳۷	ورود الفاظ مهم و مجمل در قرآن کریم.....
۱۴۰	نمونه‌هایی دیگر از آیات مجمل در قرآن.....
۱۴۳	تعریف مبین و مبین.....
۱۴۴	اقسام مبین.....
۱۴۶	برای مطالعه بیشتر:.....
۱۴۸	بررسی و نقد.....
۱۵۱	خلاصه درس.....
۱۵۲	پرسش‌ها.....
۱۵۲	پرسش‌های مطالعه بیشتر.....

۱۵۵	درس دوازدهم: تأخیر بیان و آثار مباحث مجمل و مبین.....
۱۵۶	تأخیر بیان از وقت خطاب یا از وقت حاجت.....
۱۵۸	فواید و آثار مباحث مجمل و مبین در تفسیر قرآن.....
۱۵۸	الف) معلوم شدن برخی علل نیاز به تفسیر.....
۱۵۸	ب) آگاه شدن به چگونگی تفسیر آیات مجمل و حکمت وجود آن آیات در قرآن.....
۱۵۹	ج) روشن‌تر شدن ضرورت تفسیر قرآن به قرآن.....
۱۶۰	د) روشن‌تر شدن ضرورت تفسیر روایی.....
۱۶۲	خلاصه درس.....

پرسش‌ها	۱۶۲
منابعی برای اطلاع از پیشینه مباحث فصل و مطالعه بیشتر	۱۶۳

فصل پنجم: مباحث منطوق و مفهوم و آثار تفسیری آنها

درس سیزدهم: تعریف منطوق و مفهوم و انواع آنها	۱۶۷
۱. معنای لغوی و تعریف اصطلاحی منطوق و مفهوم	۱۶۷
۲. انواع منطوق در دو کاربرد	۱۶۹
۱-۲. انواع منطوق در کاربرد نخست	۱۶۹
الف) نصّ	۱۷۰
ب) ظاهر	۱۷۰
ج) مؤوّل	۱۷۰
د) مجمل	۱۷۱
۲-۲. انواع منطوق در کاربرد دوم	۱۷۳
۳. انواع و اقسام مفاهیم	۱۷۴
خلاصه درس	۱۷۵
پرسش‌ها	۱۷۶

درس چهاردهم: مفهوم شرط و مفهوم وصف	۱۷۷
۱. مفهوم شرط	۱۷۷
۱-۱. اقسام جمله‌های شرطی	۱۷۸
۱-۲. شرط‌های مفهوم داشتن جمله‌های شرطیه	۱۷۹
الف) ملازمه میان مقدم و تالی	۱۷۹
ب) ترتّب تالی بر مقدم	۱۸۰
ج) سبب منحصر بودن مقدم برای تالی	۱۸۰
برای مطالعه بیشتر	۱۸۱
۲. مفهوم وصف	۱۸۳
۱-۲. مفهوم داشتن یا نداشتن وصف	۱۸۵
۲-۲. بررسی دلایل	۱۸۵
الف) لغو بودن ذکر وصف	۱۸۵
ب) اصل احترازی بودن قیود	۱۸۶
ج) مشعر بودن وصف به علیت	۱۸۷
د) استدلال به جمله‌های دارای مفهوم	۱۸۷
خلاصه درس	۱۸۸
پرسش‌ها	۱۸۹

درس پانزدهم: مفهوم غایت و حصر و آثار تفسیری مباحث منطوق و مفهوم.....	۱۹۱
۱. مفهوم غایت و مسائل مربوط به آن.....	۱۹۱
الف) داخل بودن یا نبودن غایت در معنی.....	۱۹۳
ب) مفهوم داشتن یا نداشتن غایت.....	۱۹۴
ج) نمونه‌هایی از مفهوم غایت در آیات قرآن.....	۱۹۴
۲. مفهوم حصر و مسائل مربوط به آن.....	۱۹۵
مقدمه اول، معنای لغوی و مفهوم اصطلاحی حصر.....	۱۹۵
مقدمه دوم، ادوات حصر.....	۱۹۶
برای مطالعه بیشتر.....	۱۹۹
۳. آثار تفسیری مباحث منطوق و مفهوم.....	۲۰۰
خلاصه درس.....	۲۰۲
پرسش‌ها.....	۲۰۳
منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث فصل و مطالعه بیشتر.....	۲۰۴
برای پژوهش.....	۲۰۴
منابع و مآخذ.....	۲۰۷

نمایه‌ها

نمایه آیات.....	۲۱۷
نمایه روایات.....	۲۲۰
نمایه اصطلاحات.....	۲۲۲

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَلَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

قرآن کریم برترین کتاب الهی^۱ و بزرگترین نعمتی است که از جانب خدای حکیم، عزیز و رحیم^۲ برای هدایت همه انسان‌ها به‌ویژه پرهیزکاران نازل شده است^۳ و به استوارترین راه سعادت و رستگاری هدایت می‌کند.^۴

آفریدگار جهانیان آن را بر پیامبر عظیم‌الشان خود نازل فرمود تا مردمان را از تاریکی‌های گمراهی، نادانی، حیرت و سرگردانی بیرون برد و به نور حقیقت و راه خدای عزیز حمید برساند.^۵ قرآن، برهانی محکم و نوری تابان از سوی خدای مهربان است،^۶ اعجاز آن، سند حقانیت آن^۷ و محتوای آن شفا و رحمت برای مؤمنان و خسارت و حسرت برای ظالمان است.^۸

۱. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (مائده، ۴۸).

۲. «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (زمر، ۱)؛ «تَنْزِيلُ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» (یس، ۵).

۳. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره، ۱۸۵)، «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲).

۴. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء، ۹).

۵. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهيم، ۱).

۶. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء، ۱۷۴).

۷. «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء، ۸۸).

۸. «وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء، ۸۲).

خدای متعال در وصف این کتاب با عظمت فرموده است:

«... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائده، ۱۵) تحقیقاً از جانب خدا برای شما نور و کتابی روشنگر آمده است، خدا به وسیله آن هر کس را که پیرو خشنودی اش باشد به راه‌های سلامت هدایت می‌کند و آنان را با اذن خود از تاریکی‌ها بیرون می‌آورد و به نور می‌رساند و آنان را به راه مستقیم راه می‌نماید».

تردیدی نیست که برای بهره‌مندی از هدایت‌ها و روشنگری‌ها و نورانیت قرآن کریم، گام نخست فهم و تفسیر معارف متقن و احکام مترقی و آموزه‌های اخلاقی و شفاف‌بخش آن است و از این‌رو، هم خدای متعال در کتاب خود بندگان را به تدبّر در آیاتش ترغیب کرده،^۱ و هم رسول خدا ﷺ در میان خطبه طولانی غدیر فرموده است: «... معاشرَ النَّاسِ، تَدَّبُّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ...»^۲ ... ای گروه‌های مردم، در قرآن تدبّر کنید و آیات آن را بفهمید به محکمات آن نظر کنید و از متشابه آن پیروی نکنید...». همچنین از امام علی (علیه السلام) نقل است که فرمود: «و تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ»^۳ و قرآن را بیاموزید که آن نیکوترین سخن است و در آن تفقه کنید که آن، بهار دل‌هاست».

بر عالمان اندیشمند پوشیده نیست که برای فهم هر کتاب علمی و مهم، به‌ویژه کتابی مانند قرآن که هم مطالب آن عمیق و ریشه‌دار است و هم روش آن در بیان مطالب متفاوت و متمایز است، به شناخت علمی عمیق و دقیق آن کتاب نیاز است؛ از این‌رو، علمی با عنوان «علوم قرآنی» در قرآن‌شناسی پدید آمده که به تبیین اوصاف و ویژگی‌های قرآن، چگونگی نزول، گردآوری و تألیف آن و از جمله به چگونگی فهم و تفسیر آن می‌پردازد، یکی از مباحث مهم علوم قرآنی، بیان رابطه تفسیر با علوم دیگر، یعنی نیاز علوم دیگر به تفسیر و نیاز تفسیر به علوم دیگر و تأثیر متقابل آنها در یکدیگر است و یکی از علوم که با تفسیر قرآن رابطه متقابل دارد، علم اصول فقه است که عالمان نخبه آن را برای استنباط احکام فقهی تأسیس کرده و سال‌های متمادی در تحقیق و توسعه آن کوشیده و تألیفات ارزشمندی در مباحث آن پدید آورده‌اند، ولی

۱. «كِتَابُ أَنْزِلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (ص، ۲۹).

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۹ و ۱۳۲.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، ص ۳۳۹، خطبه ۱۰۹.

با اینکه بسیاری از مباحث آن در تفسیر قرآن نیز کاربرد دارند و توجه به آن مباحث در صحت و اتقان تفسیر بسیاری از آیات دارای آثاری بسزا و درخور اعتناست، ولی متأسفانه نه در دانش علوم قرآنی آن چنان که باید درباره ارتباط آن علم با تفسیر و نقش آن در اتقان تفسیر بحث شده و نه در دانش اصول فقه از آثار آن علم در مباحث تفسیری یاد شده است، از این رو، "شورای عالی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور" درسی را با عنوان «علوم قرآنی ۴، دلالت‌های قرآن کریم» برای دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث به تصویب رساند و سر فصلی برای آن تهیه کرد و تألیف کتابی را با نام «علوم قرآنی ۴، دلالت‌های قرآن کریم»، به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه سفارش داد و پژوهشگاه نیز مؤلف را برای تألیف این کتاب برگزید. در تألیف این کتاب سعی شده تا مباحث متقنی از دانش اصول فقه که در تفسیر قرآن نقش دارند، در چارچوب سرفصل پیشنهادی شورای یادشده گزینش و متناسب با سطح علمی دانشجویان مقطع کارشناسی، بیان شده و آثار تفسیری آن مباحث در تفسیر قرآن تبیین شوند. این کتاب دارای پنج فصل و هر فصل به اندازه سه درس است. در فصل یکم، به مباحث مقدماتی، شامل گستره مباحث علوم قرآنی، جایگاه علوم قرآنی ۴ و پیشینه آن، منشأ دلالت الفاظ بر معانی، سیره عقلا در استفاده از الفاظ و عبارات، زبان و روش قرآن در بیان مطالب، انواع دلالت‌های قرآنی، تقسیم‌ها و اقسام دلالت‌های عرفی و نقش دانش اصول فقه در تفسیر قرآن اشاره شده است. در فصل دوم، مباحث عام و خاص و آثار تفسیری آن و در فصل سوم، مباحث مطلق و مقید و آثار تفسیری آن و در فصل چهارم، مباحث مجمل و مبین و نقش آن در تفسیر و در فصل پنجم، مباحث منطوق و مفهوم و آثار تفسیری آن تبیین شده‌اند و در هر مبحث با ذکر مثال‌هایی از آیات قرآن به بیان آثار آن مبحث در تفسیر قرآن پرداخته شده و به این‌گونه میان مباحث اصول فقه و تفسیر ارتباط برقرار شده است. امید است این تلاش علمی گامی مؤثر در ارتقای دانش تفسیر و آشنایی بیشتر دانشجویان با روش صحیح تفسیر قرآن بوده و خدمتی به ساحت قرآن کریم و علاقه‌مندان به فهم و تفسیر آن باشد و مورد عنایت امام زمان، حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام و قبول خدای متعال واقع شود؛ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا وَاعْفُ عَنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

چند تذکر

۱. با توجه به اینکه مباحث این کتاب، چنان‌که گذشت، صبغهٔ اصول فقهی دارد، کسانی می‌توانند به‌خوبی از عهدهٔ تدریس آن برآیند که افزون بر تخصص در دانش علوم قرآن، در علم اصول فقه نیز دارای تخصص باشند؛ به این صورت که در درس اصول فقه حاضر شده و با تبیین استادان آن علم، به مباحث آن آگاه شده باشند؛

۲. کوشش شده تا مطالب هر فصل به مقدار سه درس (۱/۵ ساعتی) باشند، ولی در برخی درس‌ها، به اقتضای مطلب، حجم درس کمی بیشتر شده و ممکن است در یک درس فرصت بیان همهٔ مطالب نباشد؛ از این‌رو، استاد ارجمند این کتاب می‌تواند با مدیریت خود برخی مطالب را به مطالعهٔ دانشجویان در خارج از کلاس واگذارد؛ چنان‌که مؤلف نیز در درس‌های دهم، چهاردهم و پانزدهم، بخشی از مطالب را برای مطالعهٔ بیشتر تعیین کرده است؛

۳. استادان ارجمند می‌دانند که یکی از ارکان مهم تعلیم، معلّم است و یکی از شرط‌های موفقیت معلّم در تدریس، مطالعه است و به گفتهٔ برخی مدرّسان با تجربه، برای هر درس سه مطالعه لازم است: ۱. مطالعه برای فهم عمیق محتوای درس؛ ۲. مطالعه برای اینکه مطالب درس به چه صورت و با چه ترتیبی برای دانشجویان بیان شوند که آسان‌تر و سریع‌تر به درک مطالب نائل آیند؛ ۳. مطالعه برای اینکه با بیان مطالب این درس چه پرسش‌هایی ممکن است مطرح شوند و برای آن پرسش‌ها پاسخ مناسب آماده شود تا در صورت مطرح شدن آن پرسش‌ها، پاسخ پخته و مناسب در ذهن داشته باشد؛

۴. یکی از امور مؤثر در وادار شدن دانشجویان به مطالعهٔ درس، پرسش از مطالب درس پیشین در آغاز درس جدید است؛ از این‌رو بسیار بجاست که استادان ارجمند در آغاز هر درس، حدود ده تا پانزده دقیقه محتوای درس قبل را در قالب چند پرسش از دانشجویان بپرسد که هم مطالب گذشته یادآوری شود و هم اگر برخی مطالب درست فهمیده نشده‌اند با توضیح مجدد فهمیده شوند؛

۵. به دانشجویان عزیز توصیه می‌شود برای اینکه مطالب کتاب را به‌خوبی دریافت کنند و به اهداف هر درس نائل شوند، بنا به توصیه برخی استادان عالی حوزهٔ علمیّه قم، لازم است چند کار انجام شود:

۱. پیش مطالعه، دانشجویان محترم هر درس را پیش از حضور در کلاس مطالعه کنند تا با



آشنایی اجمالی با مطالب، در کلاس حاضر شوند و برای بهره‌مندی از مطالب کلاس، آمادگی بیشتر داشته باشند؛ ۲. حضور فعال در کلاس از آغاز تا پایان؛ ۳. مطالعه پس از شنیدن درس استاد، ۴. مباحثه (بازگو کردن مطالب درس برای دوستان هم‌کلاس خود و گفتگو و بحث درباره مطالب آن)؛ ۵. خلاصه‌نویسی مطالب درس.

امید است با رعایت امور یادشده دانشجویان عزیز بیشترین استفاده را از مطالب کتاب داشته باشند و برای بهره‌برداری از دانش اصول فقه در تفسیر قرآن آمادگی و مهارت کامل را به دست آورند و با فهم صحیح معارف و احکام و آموزه‌های اخلاقی و اندرزهای حکیمانه قرآن و پیدا کردن ایمان به معارف متقن و عمل کردن به احکام مترقی و پند گرفتن از آموزه‌های اخلاقی و اندرزهای حکیمانه آن، به سعادت دنیا و آخرت نائل شوند و به قلّه معنویت و قرب الهی صعود کنند، البته شرط بهره‌مندی از آثار جاودانه هر علمی به‌ویژه دانش قرآن، اخلاص است؛ چنان‌که از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا، فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ؛^۱ هر کس علم بیاموزد و به آن عمل کند و برای خدا آن را به دیگران تعلیم دهد در ملکوت آسمان‌ها او را با وصف عظیم می‌خوانند و گفته می‌شود برای خدا یاد گرفت و برای خدا عمل کرد و برای خدا به دیگران تعلیم داد».

در پایان، از همه کسانی که در تدوین این کتاب مؤثر بوده‌اند، به‌ویژه ناظر محترم اثر جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمد فاکر میبیدی که کتاب را ارزیابی کردند و از نکات سودمند ایشان در رفع کاستی‌ها و تکمیل اثر بهره‌بردم و نیز جناب حجت الاسلام آقای حسن صادقی که در مطالعات مقدماتی و پیش‌نویس فصل دوم و سوم کتاب و آقای دکتر علی فقیه که در مطالعات مقدماتی و پیش‌نویس فصل پنجم مساعدت کردند، تشکر و تقدیر می‌شود.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

قم، علی اکبر بابایی

رمضان المبارک ۱۴۴۰ / اردیبهشت ۱۳۹۸

۱. کلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۳۵، کتاب فضل العلم، باب ثواب العالم و المتعلم، ح ۶.



مباحث مقدماتی

در آغاز هر کتابی برای آگاهی و بصیرت در ورود به مباحث آن، لازم است اموری از قبیل تعریف موضوع کتاب، ضرورت و اهمیت مباحث آن، پیشینه و کتاب‌های مرتبط با آن و برخی مبانی مهم و تأثیرگذار در مباحث آن بیان شوند که از آن امور با عنوان کلیات یا مباحث مقدماتی یاد می‌شود. از این‌رو، در فصل نخست این کتاب، مباحث مقدماتی آن و مطالب مبنایی تأثیرگذار در مباحث کتاب در سه درس تبیین می‌شوند، شامل: مفهوم‌شناسی علوم قرآنی، اقسام مباحث علوم قرآنی و جایگاه مباحث علوم قرآنی ۴ در میان آن مباحث، پیشینه و کتاب‌های مرتبط با آن، منشأ دلالت الفاظ و عبارات بر معانی و سبب پیدایش معانی برای الفاظ و عبارات، سیره عقلا در استفاده از الفاظ و عبارات‌ها، زبان و روش قرآن در بیان مطالب، انواع دلالت‌های قرآن کریم و تقسیم‌ها و اقسام دلالت‌های عرفی آیات و نقش مباحث الفاظ اصول فقه در تفسیر قرآن.

درس یکم

مفهوم، گستره و پیشینه علوم قرآنی

در این درس، سه مطلب کلی و مقدماتی که به گونه‌ای با مباحث فصل‌های آینده این کتاب مرتبط بوده و در آن مباحث مؤثر هستند با اهداف آموزشی ذیل بیان می‌شوند:

اهداف آموزشی

انتظار آن است که دانشجویان پس از آموزش این درس به مطالب ذیل آگاه شوند:

۱. مفهوم عرفی و معنای اصطلاحی علوم قرآنی؛
۲. گستره و انواع مباحث علوم قرآنی و جایگاه علوم قرآنی ۴ در میان آنها؛
۳. پیشینه و کتاب‌شناسی علوم قرآنی ۴.

۱. مفهوم عرفی و معنای اصطلاحی علوم قرآنی

علوم، جمع علم است و در لغت «علم» را به نقیض جهل، درک کردن حقیقت شیء، معرفت، یقین کردن، یقین، دانستن و دانش معنا کرده‌اند.^۱ عالمان علوم گوناگون نیز برای آن تعریف‌های اصطلاحی گوناگونی از جمله: «حضور صورت شیء نزد عقل»^۲ و «مجموعه مسائلی که برای هدف واحد تدوین شده باشند»^۳ بیان کرده‌اند؛ ولی در عنوان «علوم قرآنی» از کلمه علوم،

۱. ر.ک: ابن فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۷۰۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۱۷؛ قیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۲۷؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۵۳؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۲۱؛ انیس و دیگران، المعجم الوسیط، ص ۶۲۴؛ معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۳۴۲.

۲. ر.ک: مظفر، المنطق، ص ۱۵.

۳. آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۲۲.

دانش‌ها که معروف‌ترین مفهوم عرفی آن در زبان فارسی است اراده شده است. قرآن نیز معروف‌ترین نام کتابی است که از سوی خدای متعال بر پیامبر خاتم، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ، برای هدایت انسان‌ها و انداز و اندرز به آنها نازل شده است. ترکیب «علوم و قرآن» گاه به صورت اضافی است و از آن با عنوان «علوم القرآن» در زبان عربی، و «علوم قرآن» در زبان فارسی، یاد می‌شود و گاه به صورت وصفی با تعبیر «علوم قرآنی» است^۱ و در هر دو ترکیب، مفهوم عرفی «علوم قرآن» یا «علوم قرآنی»، علوم مرتبط با قرآن هستند و با سه دسته از علوم قابل انطباق‌اند:

۱. علومی که از قرآن استنباط می‌شوند، مانند خداشناسی، پیامبرشناسی، معادشناسی، احکام نماز و...^۲

۲. علوم پیش‌نیاز برای فهم معانی قرآن و تفسیر آن، مانند علم صرف، نحو، معانی، بیان و...
 ۳. علومی که موضوع آنها خود قرآن است و با آن علوم، قرآن و خصوصیات آن شناخته می‌شوند. ولی اکنون از عنوان «علوم قرآنی» یا «علوم القرآن»، دانش‌هایی که موضوع آنها قرآن کریم بوده و هدف از آنها قرآن‌شناسی است، اراده می‌شود؛ زرقانی در تعریف اصطلاحی علوم القرآن گفته است: «علوم قرآن مباحثی متعلق به قرآن کریم هستند که از نزول، ترتیب آیات، جمع‌آوری، نگارش، قرائت، تفسیر، اعجاز، ناسخ و منسوخ و دیگر مسائل مربوط به آن و دفع شبهات از آن بحث می‌کنند».^۳ زرقانی در این تعریف، از عناوین مباحث‌های مطرح شده در علوم قرآن یاد کرده، ولی گذشته از اینکه یادکرد عناوین مباحث و محتوای یک علم در تعریف

۱. هرگاه دانش‌های متعددی که هرکدام برای هدف واحدی تدوین شده‌اند، به شیء واحدی ارتباط پیدا کنند، کلمه «علوم» را به نام آن شیء اضافه می‌کنند یا نام آن شیء را با یاء نسبت، وصف آن شیء قرار می‌دهند؛ مانند عنوان «علوم عربی»، شامل علم نحو، علم صرف، علم معانی، بیان و بدیع که هر کدام برای هدف واحدی تدوین شده‌اند و موضوع همه آنها زبان عربی است.

۲. برای مثال، در مقدمه تفسیر منسوب به امام عسکری (علیه السلام) دیده می‌شود که وقتی آن حضرت به دو نفر از شیعیانش (یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار) وعده دادند که برای آنان قرآن را تفسیر کنند، آن دو خوشحال شدند و گفتند «یا بن رسول الله، فاذا تأتی (علی جمیع) علوم القرآن و معانی؛ ای پسر رسول خدا، در این صورت همه علوم قرآن و معانی آن را به دست می‌آوریم؟» (الامام العسکری (علیه السلام)، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری (علیه السلام)، ص ۱۱). در این عبارت، از علوم قرآن، معانی و معارف قرآن اراده شده است؛ امین‌الاسلام طبرسی نیز که تفسیر خود را مجمع البیان لعلوم القرآن نامیده (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۵)، از کلمه «علوم القرآن»، علومی را که از قرآن استنباط می‌شوند، اراده کرده است.

۳. زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۷.

آن علم معمول نیست، این یادکرد موجب شده که تعریف طولانی شود و با این حال، جامعیت نداشته باشد؛ زیرا به بسیاری از مباحث مهم علوم قرآنی، مانند وحيانی بودن قرآن حتی عبارت‌ها و الفاظ آن و صیانت قرآن از تحریف، اشاره‌ای نشده است.

افراد دیگری که در موضوع علوم قرآنی کتاب نوشته‌اند نیز تعریف‌های دیگری برای علوم قرآنی بیان کرده‌اند،^۱ که در این نوشتار مجال ذکر و بررسی آنها نیست؛ از این‌رو برای آشنایی دانشجویان با معنای اصطلاحی «علوم قرآنی» و معنا و مقصود از آن و تفاوت آن با تفسیر، به تعریفی ساده از آن و توضیحی کوتاه برای آن اکتفا می‌شود: «علوم قرآنی، دانشی است که درباره شناخت قرآن و خصوصیات آن و مسائل متعلق به آن بحث می‌کند».

توضیح: مطالعات و بررسی‌های قرآنی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول، مطالعات و بررسی‌هایی هستند درباره: شناخت خود قرآن و اینکه این کتاب چگونه پدید آمده، کتابی است الهی یا بشری، الفاظ و عبارت‌های آن نیز وحيانی است یا فقط معنا و مضمون آنها وحيانی است؟ نزول آن چگونه بوده است، آیا نزول دفعی داشته یا نزول تدریجی یا هر دو؟ آیا نزول آن بر پیامبر ﷺ بدون واسطه بوده یا به واسطه جبرئیل یا هر دو؟ نوشتن آیات آن، چینش آیات و سوره‌ها و نام‌گذاری سوره‌ها چگونه بوده و چه کسی آنها را انجام داده است؟ قرآن با یک قرائت نازل شده یا با هفت قرائت؟ و اگر با یک قرائت بوده، آن قرائت کدامیک از قرائت‌هاست؟ معجزه بودن قرآن به چه صورت و از چه جهاتی است؟ آیا در قرآن تحریفی رخ داده، یا از هر نوع تحریفی مصون مانده است؟ آیا در فهم قرآن به تفسیر یا تأویل نیاز است یا خیر و اگر به تفسیر و تأویل نیاز است، علل نیاز به آنها چیست؟ آیا غیرپیامبر و اوصیای آن حضرت نیز می‌توانند قرآن را تفسیر کنند یا تفسیر آن ویژه پیامبر ﷺ و اهل بیت ﺍﻟﯩﻤﺎﺀﻩ است یا صحابه آن حضرت است؟ و اگر برای غیرمعصومان نیز قابل تفسیر است، در تفسیر آن چه قواعدی باید رعایت شوند؟ آیا قرآن با زبان مردم سخن گفته است یا زبانی ویژه دارد؟ دلالت‌های قرآن و روش بیان مطالب آن به چه صورت است و ده‌ها مسئله دیگر. از این مباحث با عنوان علوم قرآنی یاد می‌شود؛

۱. برای دیدن برخی تعریف‌های دیگر، ر.ک: صالحی کرمانی، درآمدی بر علوم قرآنی، ص ۱۸؛ عتر، علوم القرآن الکریم، ص ۸؛ مرکز الثقافة والمعارف القرآنية، علوم القرآن عند المفسرين، ج ۱، ص ۹؛ صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۰؛ صابونی، التبیان فی علوم القرآن، ص ۸.

دسته دوم، مطالعات و تدبیرها و بررسی‌هایی هستند برای فهم معنا و مقصود آیات و به دست آوردن مراد خدای متعال از آیات که از این دسته با عنوان تفسیر یاد می‌شود، گرچه در دوره‌های گذشته و نزدیک به زمان نزول، علوم قرآن یا علوم قرآنی هر دو دسته مطالعات و دانش‌های حاصل از آن را شامل می‌شده‌اند ولی در دوره‌های متأخر، عنوان علوم قرآن، به دسته نخست از مطالعات و بررسی‌های یادشده و شناخت‌های حاصل از آنها اختصاص یافته است.

۲. گستره و انواع مباحث علوم قرآنی و تعیین جایگاه علوم قرآنی ۴ در میان آنها

با توجه به توضیح یادشده، به گستردگی مباحث علوم قرآنی پی می‌بریم؛ زیرا قرآن کریم کتابی است با عظمت که از سوی خدای متعال برای هدایت عموم انسان‌ها در همه زمان‌ها نازل شده و مسائل گوناگونی در ارتباط با آن مطرح است. برای شناخت عمیق و دقیق چنین کتابی به مطالعات و بررسی‌های بسیاری نیاز است؛ بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، در کتاب البرهان فی علوم القرآن، که یکی از کتاب‌های جامع علوم قرآنی شمرده می‌شود، مباحث علوم قرآنی را در ۴۷ نوع تنظیم کرده،^۱ و سیوطی در الاتقان، آن انواع را به هشتاد نوع افزایش داده است،^۲ ولی با این حال، آن دو کتاب همه مباحث علوم قرآنی را دربر ندارند و در کتاب‌های علوم قرآنی متأخر، مباحثی آورده شده‌اند که مطرح شدن آنها لازم بوده، ولی در میان انواع آن دو کتاب دیده نمی‌شوند؛ از جمله آن مباحث، پدیده وحی و وحیانی بودن قرآن و الفاظ و عبارات‌های آن است که یکی از مباحث علوم قرآنی است که در کتاب‌های علوم قرآنی متأخر، مانند مباحث فی علوم القرآن صبحی صالح، التمهید محمد هادی معرفت، علوم القرآن الکَرِیم نورالدین عتر، آشنایی با علوم قرآن سید محمد رادمنش و علوم قرآن محمد باقر سعیدی روشن مطرح شده، ولی در البرهان زرکشی و الاتقان سیوطی به آن اشاره‌ای نشده است.

صیانت قرآن از تحریف نیز یکی دیگر از مباحث مهم علوم قرآنی است که در کتاب‌های متأخر، مانند البیان فی تفسیر القرآن سید ابوالقاسم خویی رحمته الله، التمهید محمد هادی معرفت رحمته الله، با عنوان «صيانة القرآن من التحريف»؛ علوم القرآن عند المفسرين، تألیف مرکز فرهنگ و معارف قرآنی، با عنوان «سلامة القرآن»؛ علوم القرآن سید محمد باقر حکیم رحمته الله، با عنوان ثبوت

۱. برای اطلاع از عناوین آن مباحث، ر.ک: زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۹-۱۲.

۲. برای دیدن عناوین آن هشتاد نوع، ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۷-۲۰.

النص القرآنی؛ آموزش علوم قرآنی محمد هادی معرفت رحمته الله علیه با عنوان دفع شبهة تحریف؛ علوم قرآن در احادیث اهل بیت علیهم السلام، اثر فرج الله میرعرب، با عنوان مصونیت قرآن از تحریف؛ درسنامه علوم قرآنی حسین جوان آراسته، با عنوان «تحریف ناپذیری»، درباره آن بحث شده ولی در البرهان زرکشی و الاتقان سیوطی چنین بحثی با هیچ یک از این عنوان مطرح نشده است. نکته دیگر و درخور توجه در گستره مباحث علوم قرآنی این است که چون دانش علوم قرآنی عهده دار شناخت قرآن و پاسخگویی پرسش های مرتبط با قرآن از جهات گوناگون است، با طرح پرسش های جدید درباره قرآن بر گستره مباحث علوم قرآنی افزوده می شود؛ برای مثال، در گذشته نیازی نبود که از وحیانی بودن الفاظ قرآن بحث شود؛ زیرا همه عالمان دینی، به صورت یک امر بدیهی و ضروری بر آن اتفاق نظر داشتند، ولی در عصر حاضر بر اثر القای برخی شبهات، بحث از آن نیز لازم است.

- مباحث علوم قرآنی را از جهت فواید و آثار حاصل از آنها می توان در چند نوع دسته بندی کرد:
۱. مباحث مؤثر در ایمان به قرآن کریم به عنوان یک کتاب الهی و نازل شده از سوی خدای متعال، مانند مبحث اعجاز قرآن و صیانت قرآن از تحریف و...؛
 ۲. مباحث مؤثر در فهم و تفسیر صحیح آیات، مانند مبحث مکی و مدنی بودن سوره ها و آیات، مبحث اسباب نزول، ماهیت تفسیر و اصول، مبانی و قواعد آن، تقسیم آیات قرآن به محکم و متشابه و...؛
 ۳. مباحث مؤثر در قرائت و تلاوت صحیح آیات، مانند مبحث تجوید، وقف و وصل و اماله و آداب تلاوت قرآن و...؛
 ۴. مباحث مؤثر در پی بردن به عظمت قرآن و آگاه شدن از عظمت و خواص برخی سوره ها و آیات، مانند شناخت اینکه فلان سوره با بدرقه و همراهی چندین هزار فرشته نازل شده یا فلان آیه دارای چه آثار و خواصی است و...؛
 ۵. مباحث مؤثر در شناخت قاریان و مفسران قرآن و دیگر افراد مرتبط با آن و...؛
 ۶. ۱

بخشی از مهم ترین مباحث علوم قرآنی در کتاب های درسی علوم قرآنی ۱، علوم قرآنی ۲ و

۱. زرکشی مباحث علوم قرآنی را در ۴۷ نوع و سیوطی در هشتاد نوع بیان کرده اند، ولی با توجه به فواید و آثار آن مباحث، می توان آنها را در انواع کمتری قرار داد.

علوم قرآنی ۳ آمده‌اند^۱ و در علوم قرآنی ۴، پس از مباحث مقدماتی و کلی با چهار مبحث از مباحث دیگر علوم قرآنی که در فهم و تفسیر آیات قرآن تأثیری بسزا دارند، آشنا خواهیم شد که عبارت‌اند از: مباحث عام و خاص و آثار تفسیری آنها؛ مباحث مطلق و مقید و آثار تفسیری آنها؛ مباحث مجمل و مبین و آثار تفسیری آنها؛ مباحث منطوق و مفهوم و آثار تفسیری آنها. در این کتاب ضمن بیان مباحث یادشده و لوازم و اقتضاهای آنها، با شیوه قرآن کریم در بیان مطالب عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین و دلالت‌های منطوقی و مفهوم آن نیز آگاه خواهیم شد که تأثیر این آگاهی در فهم و تفسیر درست آیات بر کسی پوشیده نیست.

۳. پیشینه مباحث علوم قرآنی ۴

پیشینه مباحث علوم قرآنی ۴ را در سه دسته از کتاب‌ها می‌توان جستجو کرد:

۱. کتاب‌های نوشته شده در موضوع اصول فقه؛

۲. کتاب‌های نوشته شده در موضوع قواعد تفسیر؛

۳. کتاب‌های علوم قرآنی.

کتاب‌های نوشته شده در موضوع اصول فقه بسیارند و در بیشتر آنها مباحث عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، منطوق و مفهوم، مطرح شده و به تفصیل یا اختصار درباره آنها بحث شده است.^۲

گرچه در آن کتاب‌ها از مباحث یادشده، به‌عنوان مباحث علوم قرآنی یا مباحث مرتبط با تفسیر یا مقدمه تفسیر یاد نشده، بلکه به‌عنوان مباحثی که پایه و مبنا برای استنباط احکام فقهی از

۱. علوم قرآنی ۱، به مباحث مرتبط با وحی و نزول قرآن (چگونگی، انواع و مراتب اول)، قرآن در میان مردم (حفظ، نگارش حافظان و کاتبان)، قرآن پس از رحلت رسول خدا ﷺ، قرائت قرآن و اهمیت آن، روایات سبعة احرف، تواتر و عدم تواتر قرائت‌ها، اختصاص یافته است و در علوم قرآنی ۲ به مباحث اعجاز قرآن و مصونیت آن از تحریف پرداخته شده است و در علوم قرآنی ۳، درباره اسباب نزول، مکی و مدنی، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ بحث شده است.

۲. برای نمونه ر.ک: سیدمرتضی، الذریعة الى اصول الشريعة، ج ۱، ص ۲۱۵ «باب الکلام فی العموم والخصوص»، ص ۲۷۵ «فصل فی المطلق والمقید»؛ طوسی، العدة فی الاصول، ج ۱، ص ۲۷۳-۳۹۹؛ ج ۲، ص ۱۵۵؛ محقق حلی، معارج الاصول، ص ۹-۱۱۰؛ آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۱۹۳-۲۵۶؛ مظفر، اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۹۷؛ خویی، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۵، ص ۵۴-۳۸۶؛ حیدری، اصول الاستنباط، ج ۱، ص ۸۹-۱۲۸.

کتاب و سنت هستند بیان شده‌اند،^۱ ولی آشنایی با آن مباحث می‌تواند در تفسیر درست قرآن نیز اثرگذار باشد؛ از این رو، می‌توان مباحث آن کتاب‌ها را نیز پیشینه مباحث علوم قرآنی^۲ شمرد. در شماری از کتاب‌هایی که با عنوان «قواعد تفسیر» نوشته شده‌اند^۳ نیز برخی از مباحث علوم قرآنی^۴ یا مطالبی مرتبط با آن مباحث در قالب قواعد تفسیری مطرح شده‌اند.^۵ اما با جستجو در کتاب‌های علوم قرآنی معلوم شد که بیشتر آنها متعرض مباحث علوم قرآنی^۶ نشده‌اند و تنها در سه کتاب از آنها به این مباحث توجه شده است.

یک) الاتقان عبدالرحمن سیوطی که انواع چهل و پنجم، چهل و ششم، چهل و نهم و پنجاهم آن درباره این مباحث‌اند؛^۷

دو) علوم قرآنی محمد هادی معرفت که فصل سوم آن با عنوان «دلالت قرآن» به این مباحث اختصاص یافته است؛^۸

سه) علوم قرآن در احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)، تألیف فرج‌الله میرعرب که فصل هفتم آن درباره عام و خاص، مطلق و مقید است.^۹

درخور توجه است که پیش از این کتاب‌ها در برخی منابع روایی نیز به وجود عام و خاص در قرآن و اثر تفسیری آنها اشاره شده است، برای نمونه، ضمن روایتی طولانی در بیان اوصاف قرآن که از تفسیر القرآن نعمانی - از عالمان قرن چهارم -^{۱۰} با سند متصل از امام صادق (علیه‌السلام) و

۱. از این رو، در تعریف اصول فقه گفته‌اند: «اصول الفقه، هو القواعد الممهدة لاستنباط الاحکام الشرعية الفرعية من ادلتها؛ اصول فقه، قواعدی هستند که برای استنباط احکام شرعی فرعی از دلیل هایشان، فراهم شده‌اند» (ر.ک: حیدری، همان، ص ۳۶).

۲. در کتاب قواعد تفسیر قرآن، تألیف نگارنده، شانزده عنوان از کتاب‌های تألیف شده با عنوان «قواعد تفسیر»، به اختصار معرفی شده‌اند (ر.ک: بابایی، قواعد تفسیر قرآن، ص ۲۲-۲۵).

۳. برای نمونه ر.ک: عک: اصول التفسیر و قواعد، ص ۳۲۷-۴۱۶؛ سبت، قواعد التفسیر جمعاً و دراسة، ج ۲، ص ۵۴۶-۶۸۹؛ فاکر میدی، قواعد التفسیر لدى الشيعة و السنة، ص ۱۸۷-۲۱۹، ۲۲۸-۲۴۱؛ بابایی، همان، ص ۱۹۱-۲۲۶.

۴. ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۶۸۱-۶۹۹ و ۷۳۶-۷۴۳.

۵. ر.ک: معرفت، علوم قرآنی، ص ۹۵-۱۱۸.

۶. میرعرب، علوم قرآن در احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)، ص ۲۶۳-۲۷۷.

۷. ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی، معروف به ابن ابی زینب، یکی از محدثان معروف شیعه امامیه است که نجاشی او را با عبارت «شیخ من اصحابنا، عظیم القدر، شریف المنزله، صحیح العقیده، کثیر الحدیث» ستوده است (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۸۳، رقم ۱۰۴۳).

نیز از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده،^۱ یکی از اوصاف قرآن، وجود عام و خاص در آن، و یکی از آسیب‌های تفسیری آن، خلط میان خاص و عام و استدلال به خاص با تصور عام بودن آن (برداشت معنای عام از عبارتی که معنای آن خاص است)؛ و یکی از شرایط مفسر شناخت عام و خاص و تشخیص خاص از عام شمرده شده است.^۲ در فراز دیگری از آن روایت، از وجود برخی آیات که لفظشان خاص و معنایشان عام، یا لفظشان عام و معنایشان خاص هستند گزارش شده و شماری از آیاتی که ظاهر عبارت آنها عام و معنای آنها خاص است، یا لفظ آنها خاص و معنای آنها عام است، آورده شده است.^۳

در روایت دیگری که کلینی از امام علی (علیه السلام) نقل کرده، آن حضرت در بیان ارتباط نزدیک خود با رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، یکی از تعلیمات پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خود را تعلیم خاص و عام قرآن شمرده است،^۴ که از آن نیز استفاده می‌شود یکی از شناخت‌های لازم برای تفسیر درست قرآن، آگاهی از عام و خاص آن است. در نهج البلاغه نیز در وصف قرآن آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) حلال و حرام آن و... خاص و عام آن... و مجمل‌ها و مشکلات آن را بیان کرده‌اند.^۵ از امام باقر (علیه السلام) یا امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است که فرمود: «... والقرآن خاص و عام... والراسخون فی العلم یعلمونه».^۶ از این روایت استفاده می‌شود که برای فهم صحیح قرآن، شناخت خاص و عام آن لازم است و راسخان در علم، یعنی پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام)، به آن آگاه هستند. با توجه به این روایات می‌توان گفت پیشینه برخی از مباحث علوم قرآنی^۴ به عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) باز می‌گردد و برخی از آن مباحث، از روایات معصومان (علیهم السلام) نشئت گرفته‌اند.

۱. برای دیدن متن کامل آن روایت، ر.ک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۹۷-۱.

۲. «... و احتجوا بالخاص و هم یقدرون انه العام... و اعلموا رحمکم الله، انه من لم یعرف من کتاب الله عزّ جلّ الناسخ من المنسوخ و الخاص من العام... فلیس بعالم من القرآن... و لقد سأل امیرالمؤمنین -صلوات الله علیه- شیعته عن مثل هذا فقال... و فی القرآن ناسخ و منسوخ... و خاص و عام...» (همان، ص ۳-۴).

۳. ر.ک: همان، ص ۲۳ به بعد.

۴. «... فما نزلت علی رسول الله (صلی الله علیه و آله) آیه من القرآن الا اقرأنیها... و علّمتنی تأویلها و تفسیرها و... و خاصّها و عامّها...» (کلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۶۴، کتاب العلم باب اختلاف الحدیث قسمتی از حدیث ۱؛ و نیز ر.ک: صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۵۷، باب الاربعة، حدیث ۱۳۱).

۵. ر.ک: سیدرضی، نهج البلاغه (ترجمة فیض الاسلام)، ج ۱، ص ۳۵-۳۶ «اواخر خطبة اول».

۶. صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۲۴، ح ۸.